

غدیریه واله افشار

علی صدراپی خویی

حاج میرزا علی مشهور به «صدرالذاکرین» فرزند عبدالحسین در سال ۱۲۶۰ هـ.ق در ارومیه چشم به جهان گشود. او دارای طبعی روان و ذوقی سلیم بود و در اشعارش به «واله» تخلص می کرد. او از جهت تعلق به قبیله افشار به «واله افشار» مشهور است.

از خصوصیات زندگانی و فعالیتهای اجتماعی و تحصیلات واله، اطلاعی در دست نیست، جز اینکه از اشتهارش به صدرالذاکرین می توان حدس زد که عمده کار او موعظه و پند و اندرز مردم و ذکر مصیبت بوده است.

ناشر کتاب «توان و روان» در مقدمه آن درباره واله چنین می نویسد:

این صحیفه منیفه دلپذیر و این مجموعه شریفه بی نظیر که مسمی به توان و روان است، از نتایج سحر پرداز و بدایع آثار معجز طرازِ محدث فاضل و فرزانه و محقق کامل یگانه، وحید العصر و الزمان و فرید العهد و الاوان، ادیب صاحب قدر حاج میرزا علی صدر المتخلص به «واله» - اکرمه الله بنواله - می باشد.

آن مرحوم دارای فنون علومیه و از مشاهیر اهل ارومیه می باشد و در میدان بلاغت و سخندانی گوی سبقت از همگان ر بوده و در شیوه شیوای املا و انشاء در میان اهل تحریر، فرد اکمل و در فنّ وعظ و رثا در بین اهل تقریر نمره اول محسوب می شد. ۱

از سخن ناشر که واله را درک کرده، استنباط می شود که واله علاوه بر وعظ، به نوشتن اسناد از قبیل سجلات، عقدنامه، طلاقنامه و... نیز اشتغال داشته است.

واله دارای فرزندی بوده به نام حاج میرزا علی اصغر (متولد ۱۲۵۱ش، متوفای ۱۳۲۰ش) او نیز مانند پدرش دارای طبعی سلیم و ذوقی لطیف بوده و در اشعارش «محیط» تخلص می کرده است. ۲

واله پس از عمری خدمت به دین در سال ۱۳۳۰ قمری رخت از این سرای فانی به دار باقی کشید. ۳ فرزند محیط در مرگ وی این ماده تاریخ را سروده است:

چون نوای «ارجعی» از جانب رب جلیل از سروش آمد به گوش هوش، حاجی صدر را

سوی عقبی شد روان دامن کشان از این جهان بهر خود بگزید جا در بزم جنت صدر را

پرتو طبعش به هنگام ادای نظم و نثر خیره کردی در فلک از روشنائی بدر را

دیده گریان بهر تاریخش «محیط» زار گفت: «داد حق منزل ز صدر سدره حاجی صدر را»

نمونه ای از اشعار واله، قطعه زیر است که در مدح امیرمؤمنان علی(ع) سروده است:

علی نور بخشد به افلاکیان چو استاره ای صبح بر خاکیان

علی آن که داده ست نور و بها عبادت دلیل سعادت بود

علی یاد کردن عبادت بود به عرش و به کرسی به ارض و سما

به روی علی دیدن عادت کنید خدا را از این رو عبادت کنید

به خلقت نبود از علی را وجود به صدیقه در دهر کفوی نبود

علی پور بوطالب آن شاه دین خداوند را بود حبل متین

ص: ۱

از واله دو اثر درباره حضرت علی(ع) در دست است:

۱ - توان و روان یا اربعین ۴

منظومه ای است در شرح و ترجمه چهل حدیث نبوی در فضایل حضرت علی(ع). مؤلف ابتدا متن حدیث را بدون نقل سند، به عربی می آورد و پس از آن با شعر فارسی به ترجمه و تفسیر آن می پردازد، واله این اثر خود را در سال ۱۳۱۶ قمری به پایان رسانیده و در ماده تاریخ آن گوید:

دوباره به تاریخ گفتم روان: «توانِ روان کرد طبعم روان»

واله پس از چند سال در سال ۱۳۲۲ قمری در کتاب تجدید نظر نموده و ماده تاریخ را این چنین اصلاح نموده است:

به تاریخ تألیف گفته روان: «توان و روان کرد طبعم روان»

واله در کتاب توان و روان این چهل حدیث را شرح نموده است:

۱ - عنوان صحيفة المؤمن حبّ علی بن ابی طالب(ع).

۲ - قل لمن أحبّ علیاً یتھیا لدخول الجنة.

۳ - کفّی و کفّ علیّ فی العدل سواء.

۴ - القرآن مع علیّ وعلیّ مع القرآن.

۵ - من اذی علیاً فقد اذانی.

- ٦ - انا و عليّ من شجرة واحدة والناس من شجر شتى.
- ٧ - انا المنذر وعليّ الهادي و بك يا عليّ يهتدى المهتدون.
- ٨ - عليّ منى بمنزلة الرأس من بدنى.
- ٩ - عليّ فى الجنة كالكوب الصبحة لاهل الدنيا.
- ١٠ - عليّ باب من دخل منه كان مؤمنا و من خرج عنه كان كافرا.
- ١١ - ذكر عليّ (ع) عبادة.
- ١٢ - النظر الى وجه عليّ عبادة.
- ١٣ - لو لم يخلق عليّ لم يكن لفاطمة كفو.
- ١٤ - لو اجتمع الناس على حب عليّ لما خلق الله النار ابدًا.
- ١٥ - يستل الناس يوم القيامة عن الاقرار بولاية عليّ.
- ١٦ - سيكون من بعدى فتنة فاذا كان ذلك فالزموا عليّا فانه الفارق بين الحق والباطل.
- ١٧ - عليّ منى وأنا منه وهو ولىّ كل مؤمن و مؤمنة.
- ص:٢
- ١٨ - عليّ وشيعته الفائزون يوم القيامة.
- ١٩ - عليّ خير البشر من ابى فقد كفر.
- ٢٠ - مثل عليّ فى الناس كمثل قل هو الله احد فى القرآن.
- ٢١ - لكل نبىّ صاحب سرّ و صاحب سرّى عليّ بن ابى طالب.
- ٢٢ - انا مدينة العلم وعليّ بابها ومن اراد المدينة فليأتها من بابها.
- ٢٣ - يا عليّ انت يعسوب المؤمنين والمال يعسوب الظالمين.
- ٢٤ - انّ الله جعل ذريّة كل نبى فى صلبه وجعل ذريّتى فى صلب عليّ بن ابيطالب.
- ٢٥ - قسّم الحكمة عشرة اجزاء فاعطى عليّ تسعة والناس جزءً واحدا.
- ٢٦ - لكل نبىّ ووصىّ وارث وان عليّا وصيّى و وارثى.
- ٢٧ - انا وعليّ هذا حُجّة الله على خلقه.

- ۲۸ - سئل النبی: من عنده علم الكتاب؟ قال: انما ذلك علیّ.
- ۲۹ - حبّ علیّ یا کل الذنوب كما تأکل النار الحطب.
- ۳۰ - مثل اهل بیتهی کمثل سفینة نوح، من ركبها نجى ومن تخلف عنها غرق.
- ۳۱ - مثل اهل بیتهی کمثل باب حطّة، من دخل غفر له.
- ۳۲ - إنا اهل بیت اختار الله لنا الآخرة علی الدنيا.
- ۳۳ - سئلت ربی ان لا یدخل احدا من اهل بیتهی النار فاعطانیها.
- ۳۴ - اللهم انّ هؤلاء اهل بیتهی ولحمتهی، یؤلّمنی ما یؤلّمهم ویجرحنی ما یجرحهم.
- ۳۵ - حبّ آل محمد یوما خیر من عبادة سنة.
- ۳۶ - حبّ علیّ براءة من النار.
- ۳۷ - من مات فی حب آل محمد فقد مات شهیداً و من مات فی بغض آل محمد مات میتة جاهلیة.
- ۳۸ - اللهم لا تمنّنی حتی ترینی وجه علیّ(ع).
- ۳۹ - من ذکر فضیلة من فضائل علیّ(ع) مقراً بها غفر الله له ما تقدم من ذنبه وما تأخر.
- ۴۰ - لو أنّ الریاض أقلام والبحر مداد والجن حُساب والانس کُتاب ما احصوا فضائل علیّ بن ابیطالب(ع). ۵.

۲ - غدیریة

واله این غدیریة را در تخمیس قصیده مشهور ملامهر علی خویی سروده است. شایان ذکر است که ملا مهر علی خویی متخلص به «فدوی» (۱۱۸۲ - ۱۲۶۳ق) غدیریة ای در مدح حضرت علی(ع) سروده است که مشهور است و با این بیت شروع می شود:

ص: ۳

ها علیّ بشر کیف بشر ربه فیہ تجلّی و ظهر

قصیده فدوی را شاعران زیادی استقبال و تخمیس کرده اند که ما همه آنها را در کتاب «ولایت نامه» (غدیریة) ملامهر علی فدوی خویی آورده ایم. واله نیز قصیده فدوی را در بیست و نه بند تخمیس نموده که تا به حال منتشر نشده است. قبل از درج اصل تخمیس دو مطلب را باید در این باره تذکر داد:

الف: شاعر دیگری با تخلص واله این قصیده را تخمیس نموده که غیر از واله افشار است. این شاعر ملاعلی فرزند عبدالعظیم خیابانی تبریزی معروف به علی مجتهد تبریزی (متوفای ۱۳۴۰ق) است. تخمیس او با این بند آغاز می شود:

فی علیّ حار عقلی و حسر فی علیّ طار قلبی و نفر

فی علیّ ضلّ قوم و کفر ها علیّ بشر کیف بشر

ربّه فیه تجلی و ظهره

ب: مرحوم شیخ جابر فاضلی خویی در کتاب «تذکرۃ الفضلا» ۷ در شرح حال ملاعلی خویی (متوفای ۱۲۵۶ق) بند اول تخمیس واله افشار را ذکر نموده و آن را به ملاعلی خویی نسبت داده است که صحیح نیست؛ زیرا شاعر بودن ملاعلی خویی مورد تردید است و در صورت سرودن شعر تخلص وی واله نبوده در حالی که شاعر در پایان تخمیس تخلص خود را آورده و می گوید:

«واله» المادح الله حماه و وفیه الحظ فی نیل مناه

غدیریّه

منکر المولی اذا فات و مرّ فی الجزا سیّان صلی ام فجر

ویل من آخره بعد آخر ها علی بشر کیف بشر

ربّه فیه تجلی و ظهر

أنا من أين و من أين الثناء إنما القیت دلوی فی الدلاء

هو والعالم ماه و رحی هو والمبدء شمس وضیا

هو والواجب نور و قمر

حُبّه اضمّر فی مضماری حطّة عنی غداً اوزاری

قدرة الله قضاء الجاری أذن الله و عین الباری

یا له صاحب سمع و بصر

هو عبدالله قوم عبوده واخو الهادی اناس جحدوه

نور الانوار اردوا یطفوه جنس الاجناس علیّ و بنوه

نوع الانواع الی حادی عشر

ایها الناصب یاحد جدلاً حقّ الظن واحسن عملاً

فى البرايا لفس منه بدلا يضرب الله بشىء مثالا ٨

ص:٤

معه الله كنار و حجر

عالم الغيب و علامّ اما كان فى الاعلام علماً علماً

خيرة الاكوان ارضاً وسما علة الكون فلولا له لما

كان للعالم عين و أثر

مستسر السرّ لا يحمله ملك والخلق لا يكفله

لم اقل آدم ما ينسله وله ابدع ما تعقله

من عقول و نفوس و صور

وده حسبك كشفاً للغموم ما به اختصّ محال للعموم

قالع الباب و ابواب العلوم فلك فى فلك فيه نجوم

صدف فى صدف فيه دُرر

علم الله وإنّى معلن معه الحق وقلبى موقن

قل لمن شاء الهدى فليؤمن مظهر الواجب يا للممكن

صورة الجاعل يا للمظهر

حجة الرحمان نفس المصطفى ما راى من ذنب إلا و عفى

ما اتى عهد إلا و وفى ما رمى رميةً إلا وكفى

ما غزا غزوة إلا وظفر

نجم افضاله فى الآفاق لاح والهِ والآل ان شئت النجاح

ذكر القابه للروح راح اسد الله اذا جال و صاح

ابوالايتام اذا جاد وبر

من تولاه و ذو قلب سليم لا يخاف قطّ من حرّ الحميم

هو للجنة و النار قسيم حبه مبدءُ خلدٍ و نعيم

بغضه مبدء نار و سقر

...و ابوالاطهار من يقشفه السن ما كذبت توصفه

هو فى الجلباب ما يكشفه كل من مات و لم يعرفه

موته موت حمار و بقر

جاحدوا فضله فى النكر طغوا عدلوا عن نهج حق وبغوا

ليس ينفعهم وان دهرأ بكوا خصمه ابغضه الله ولو

ص:٥

حمد الله واثنى وشكر

...كلمة الله تعالى العليا قاصم الكفر مبيد الاعداء

بالنبي كان له الاستعلاء من له صاحبة كالزهراء

وسليل كشبير و شبر

مطلع النور و مصباح الظلم ضوء مشكوة الهدى هادى الامم

عالم اللوح بما يجرى القلم عنه ديوان علوم وحكم

فيه طومار عظات و عبر

...سمح فى دارها اصل الكرم بالسخا ماحى اسم الحاتم

فضله شاع ببذل الخاتم بو تراب و كنوز العالمم

عنده نحو سفال و مدر

دع دعاة الغى و اطلب و رشداً اعتصم بالحبل و اترك حسداً

وانصر الحق لساناً و يداً ايها الخصم تذكر و سنداً

متنه صح بنص و خبر

ابشروا يا قوم بالنار السعير ما لكم من شافع او من نصير

كيف انكرتم أستم بخبير اذا اتى احمد فى خم غدیر

بعلى وعلى الرحل نبر

بالمأ من نفسه أدناه آخذاً ساعده علاه
امره المستور قد اجله قال من كنت أنا مولاه
فعلى له مولا و مفر
مع ان الله بالمن جدير ولما شاء ففعل قدير
ارسل الرسل على الناس نذير قبل تعيين وصي و وزير
هل ترى مات نبي و هجر
من فتوحاته حصن بقموص هربت منه الكماة كاللصوص
ناطق في بطشه خير النصوص من اتى فيه نصوص بخصوص
هل باجماع.....ينكر
هنوه ببخ بخ في العن بمحل قد حباه ذوالمنن
جاء هذا في الصحاح والسنن آية الله وهل يجحد من
ص: ٦
خصه الله بآي و سور
خاب من خان علياً واهان و به يسلك نحو الرضوان
إنه اتضح الامر و بان وده اوجب ما في القرآن
اوجب الله علينا و امر
«واله» المادح الله حماه و وفيه الحظ في نيل مناه
كل من عاداه لا يرضى لقاءه مدعى حب على وعداه
مثل من انكر حقاً و اقر

۲. برای آگاهی از شرح حال محیط افشار رجوع شود به: تذکره شعرای آذربایجان، ج ۱، ص ۳۹۰ و ۴۸۴؛ سخنوران آذربایجان، عزیز دولت آبادی، تبریز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۵۵ش، ج ۲، ص ۹۲۳؛ بزرگان و سخن سرایان آذربایجان غربی، محمود رامیان با همکاری محمد تمدن و علاء الدین تکش، تهران، ۱۳۴۴ ش، ص ۲۷۲؛ علمای معاصرین، ص ۸۲؛ مواد التواریخ، ص ۲۲ و ۲۵۰ و ۴۳۴

۳. برای آگاهی بیشتر از شرح حال واله، رجوع شود به: نقباء البشر، آقابزرگ تهرانی، چاپ دوم، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۴۰ق، ج ۴، ص ۱۴۶۶، شماره ۱۹۷۹؛ الذریعة الی تصانیف الشيعة، همو، بیروت، دارالاضواء ج ۹، ص ۱۲۵۵ و ج ۴، ص ۴۷۵؛ تذکره شعرای آذربایجان، ج ۱، ص ۴۱۴ - ۴۱۶؛ بزرگان و سخن سرایان آذربایجان غربی، ص ۳۷۳ - ۳۷۵؛ سخنوران آذربایجان، ج ۲، ص ۹۳۱ و ۹۳۲؛ فهرست آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۲۹ش، ج ۵، ص ۲۵۲؛ الحديقة المبهجة، شیخ محمدعلی ارودباری، مخطوط.

۴. الذریعة، ج ۴، ص ۴۷۵؛ فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۳۷، شماره ۱۳۸۷۹؛ فهرست کتابهای چاپی فارسی، خان بابامشار، ج ۱، ص ۱۴۳۹. کتاب توان و روان در سال ۱۳۳۵ق. در ۳۹۰ صفحه به چاپ رسیده است.

۵. رساله ای با عنوان «صحيفة المحبة» شامل چهل حدیث در فضایل علی(ع) در کتابخانه آیه الله مرعشی به شماره ۸۰۸۴ موجود است که در فهرست آن کتابخانه (ج ۲۱ ص ۸۶) معرفی شده است. احادیث آن رساله با احادیث شرح شده در توان و روان یکی است و اندک تفاوتی در ترتیب احادیث دارد.

۶. ما تمامی تخمیس واله تبریزی را در کتاب ولایت نامه(ص ۳۹ - ۴۱) درجه نموده ایم.

۷. این کتاب خطی است و تا به حال به چاپ نرسیده، نسخه خطی آن به ضمیمه کتاب توان و روان در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۳۸۷۹ موجود است.

۸. «ما هو الله ولكن مثلاً» (ولایت نامه، ص ۳۱).

منابع:

علوم حدیث ۱۳۷۶ شماره ۷

ص:۷